

فصل

مفهوم‌شناسی خانواده



❖ اهداف آموزشی

- ❖ تعریف خانواده
- ❖ ساخت خانواده و انواع آن
- ❖ کارکردهای خانواده
- ❖ خانواده و کارکردهای نامناسب
- ❖ فروپاشی یا تغییرات عمیق
- ❖ مطالعه در حوزه خانواده

□ مدخل

به منظور توضیح و تبیین مفهوم خانواده ملاک‌های متعددی مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته است. مطالعه در حوزه خانواده، میان‌رشته‌ای است. صاحب‌نظران رشته‌ها و تخصص‌های مختلف اعم از جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، تاریخ، روانشناسی، روانشناسی اجتماعی و علوم ارتباطی هر کدام از زاویه نگاه خاص خود سعی دارند که تعریفی موجز از خانواده ارائه دهند. به عنوان نمونه برخی از تعاریف، معطوف به ساخت و نهاد این پدیده اجتماعی و برخی دیگر از تبیین‌ها، از منظر کارکردی به موضوع نگاه کرده‌اند. همچنین عده‌ای بیشتر به جنبه‌های روان‌شناختی خانواده توجه داشتند و عده‌ای دیگر نقش‌ها و کنش‌ها در خانواده را مدنظر داشتند. جامعه‌شناسان بیشتر به انواع روابط اجتماعی موجود در این نهاد یا ساخت توجه داشته و تفاوت‌ها و دگرگونی‌های موجود در این روابط را در جوامع مختلف مورد بررسی قرار می‌دهند. در مجموع مطالعات صورت گرفته در حوزه خانواده، بسیار پر دامنه و در عین حال همیشه با پیچیدگی و تنوع فراوان همراه بوده است.

□ تعریف خانواده

آنتونی گیدنز در کتاب جامعه‌شناسی خود ضمن تفکیک خانواده هسته‌ای از خانواده گسترده، در تعریف خانواده هسته‌ای بیان می‌دارد که خانواده «شامل دو بزرگسال است که با هم در کنار فرزندان خود یا کودکانی که به فرزندپذیری پذیرفته‌اند زندگی می‌کنند.» (گیدنز، ۱۳۷۸: ۴۱۵) وی همچنین می‌نویسد: «خانواده گسترده را می‌توان گروهی مرکب از سه نسل یا بیشتر دانست که یا در یک مسکن و یا در نزدیک یکدیگر زندگی می‌کنند. این خانواده ممکن است شامل پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها، برادران و همسرانشان، خواهران و شوهرانشان، عمه‌ها و خاله‌ها، عموها و دایی‌ها، خواهرزاده‌ها و برادرزاده‌ها باشد.» (گیدنز، ۱۳۸۷: ۴۱۵)



گیدنز در ضمن بیان می‌دارد که هر فردی در عین حال به دو خانواده تعلق دارد. خانواده‌ای که از آن برخاسته است و رشد و نمو کرده و خانواده‌ای که خود آن را تشکیل می‌دهد. به عبارتی خانواده خاستگاه^۱ و خانواده فرزندآور^۲.

برگس ولاک در کتابی با عنوان «خانواده» این نهاد را چنین تعریف نموده‌اند: «خانواده گروهی است متشکل از افرادی که از طریق پیوند زناشویی، همخونی یا پذیرش، با یکدیگر به عنوان شوهر، زن، مادر، پدر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابلند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی زندگی می‌کنند.» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۵۵) در این تعریف ضمن آنکه به فرزندپذیری یا قبول فرزند علاوه بر تولید نسل اشاره کرده، به قرارداد اجتماعی در امر خانواده نیز بی‌توجه نبوده است. چرا که در برخی جوامع عضویت در خانواده لزوماً داشتن پیوند خونی نیست. مثلاً دیده شده در جزایر ملانزی هر مردی که پول قابله را پرداخت کند، پدر کودک محسوب می‌شود. عیب تعریف برگس ولاک این است که بیشتر به خانواده هسته‌ای توجه دارد و در مورد دیگر اشکال متنوع خانواده صدق نمی‌کند.

مک آیور در کتاب «جامعه» خانواده را چنین تعریف می‌کند: «گروهی است دارای روابط پایا و مشخص که به تولید مثل و تربیت فرزندان منتهی می‌شود.» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۵۵) بی‌توجهی به ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خانواده و توجه صرف به بعد زیستی خانواده از کاستی‌های این تعریف محسوب می‌شوند.

لوی نیز در تعریفی موجز و به طور نسبی کامل‌تر، نسبت به تعاریف دیگر می‌نویسد: «خانواده پیوندی است که با نهاد ازدواج یعنی صورتی از روابط جنسی که مورد تصویب جامعه قرار گرفته است، مرتبط است.» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۵۶) ویژگی مهم این تعریف آن است که به ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خانواده که مورد تصویب جامعه قرار گرفته توجه دارد. پژوهشگر ایرانی باقر ساروخانی ضمن یادآوری تعریف فوق، ویژگی‌های زیر را در تعریف خانواده مهم می‌داند:

- خانواده بر اساس ازدواج بین دو جنس مخالف پدید می‌آید و در آن مناسبات نسبی واقعی یا قراردادی و همچنین سببی و فرزندپذیری به چشم می‌خورد.
- برخلاف خانوار که لزوماً اعضای آن در یک مکان حیات می‌گذرانند و از اشتراک اقتصادی برخوردارند، خانواده مستلزم تحقق هیچ یک از این دو شرط نیست.

1. Family of orientation
2. Family of procreation



○ ابعاد خانواده نه تنها زیستی، بلکه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است.

○ کارکردهای خانواده نه تنها تولیدمثل، بلکه نگهداری و پرورش کودکان و همچنین تأمین نیازهای متقابل زیستی، روانی و اجتماعی زوجین است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۵۶).

در مجموع می‌توان گفت که ارائه تعریفی موجز از خانواده امری بفرنج و شاید غیر ممکن است، چرا که مجموعه پیچیده‌ای از انواع روابط و پدیده‌های مختلف است که در آن مناسبات جسمی، روانی، اقتصادی و اخلاقی در چارچوب یک نظام یا نهاد اجتماعی با یکدیگر گره خورده است، اما در همه تعاریف مواردی چون تأکید بر اساسی و بنیادی بودن خانواده، اینکه نهادی اولیه و نخستین بود و از یک یا چند زن که با چند مرد و احتمالاً کودک یا کودکانی چند تشکیل شده است، تکرار می‌شوند. همچنین در بیشتر تعاریف، مستقیم یا غیر مستقیم اشاره شده است که در خانواده روابط جنسی معینی وجود دارد که به صورت اجتناب‌ناپذیری مورد تأیید جامعه گرفته و حقوق و تکالیف اعضای آن نسبت به یکدیگر مشخص و معین شده است. در یک جمع‌بندی می‌توان نتیجه‌گیری کرد که به خاطر دشوار و غیر ممکن بودن ارائه تعریفی جامع و موجز برای مفهوم خانواده، بسیاری از صاحب‌نظران به تعریف نوعی از انواع خانواده بسنده کرده‌اند.

□ ساخت خانواده

چگونگی قرار گرفتن اجزا و عناصر یک نظام و انسجام و پیوستگی آنها با یکدیگر در ارتباط با کلیت نظام، ساخت یک نظام را تشکیل می‌دهد. بر حسب ساخت خانواده، انواع فراوانی از آن در زمان‌ها و جوامع مختلف مشاهده شده و می‌شود که مهمترین آنها به شرح ذیل هستند.

□ خانواده زیستی^۱

طبیعی‌ترین و به عبارتی ابتدایی‌ترین ساخت خانواده است. در این حالت خانواده فقط دارای بعد زیستی است و رابطه والدین با فرزندان نیز فقط رابطه‌ای زیستی است و در اجتماعی کردن فرزندان، والدین نقشی ندارند و مسئولیتی احساس نمی‌کنند. بسیار به آنچه که در میان جانوران وجود دارد نزدیک است. کودک‌زایی و پرورش جسمانی آن هدف اصلی این نوع خانواده است. همه جوامع انسانی بر مبنای نیازهای حیاتی و تکامل اجتماعی از این نوع خانواده عبور می‌کنند و انواع دیگر خانواده با ساخت‌های گوناگون را دارا می‌شوند. «خانواده زیستی در عالم انسانی هم

1. Biological Family



تشکیل می‌شود ولی معمولاً خانواده انسانی پایدارتر از خانواده حیوانی است و بیش از آن تحول و تنوع می‌پذیرد. همچنین کارکردهای خانواده انسانی از کارکردهای خانواده حیوانی بیشترند. به بیان دیگر، خانواده انسانی معمولاً از خانواده زیستی در می‌گذرد و واحدی اجتماعی می‌گردد.» (اگ‌برن، ۱۳۴۹: ۳۲۷).

□ خانواده زن و شوهری^۱

که در شرایطی به آن خانواده هسته‌ای^۲ نیز می‌گویند. برخی آن را با خانواده مستقل^۳ نیز مترادف دانسته‌اند. ساخت این خانواده از زن و شوهر و فرزند یا فرزندان ترکیب یافته است و جدا و مستقل از گذشتگان و خویشاوندان خود زندگی می‌کنند. اگر فرزند نداشته باشند همان اصطلاح خانواده زن و شوهری و اگر فرزندی داشته باشند با عنوان خانواده هسته‌ای از آن یاد می‌کنند. نومیکانی از ویژگی‌های مهم این نوع خانواده است. یعنی در مکانی جدا از والدین خود زندگی می‌کنند و این استقلال باعث می‌شود که هرم قدرت در خانواده افقی باشد. فرزندان نیز پس از اینکه بزرگ شده و ازدواج کرده‌اند آن را ترک می‌کنند. خانواده هسته‌ای از سویی نوع غالب خانواده در جامعه صنعتی است و به تعبیر پارسونز عقلانی‌ترین نوع خانواده است. یعنی تصمیم‌گیری در آن بر مبنای خرد و عقل صورت می‌گیرد. این نوع خانواده فرصت تحرک اجتماعی بیشتری را برای افراد فراهم می‌آورد.

□ خانواده گسترده^۴

والدین با ننگه داشتن فرزندان حتی پس از برنایی و ازدواج، خانواده گسترده را تشکیل می‌دهند. بنابراین این نوع خانواده چند نسل را در خود جای می‌دهد و پدر بزرگ و مادر بزرگ در کنار فرزندان و عروس‌ها و نوه‌ها همگی در کنار هم زندگی می‌کنند. با ازدواج فرزندان، بستگی سببی بین افراد این خانواده بر بستگی نسبی اضافه می‌شود. در این نوع خانواده تحرک جغرافیایی و اجتماعی وجود ندارد. در این نوع خانواده ابعاد غیر زیستی خانواده یعنی جامعه‌پذیری، فرهنگ‌آموزی و آموزش افراد اهمیت دوچندان می‌یابد. آموزش حرفه‌ای به گونه‌ای است که

1. Conjugal Family
2. Nuclear Family
3. Independent Family
4. Extended Family



فرزندان معمولاً همان شغل والدین را فرا می‌گیرند و تداوم می‌بخشند. با توجه به ویژگی‌هایی که برشمرده شده است، خانواده گسترده به نوعی در نقطه مقابل خانواده هسته‌ای یا مستقل قرار می‌گیرد. پیران‌سالاری از ویژگی‌های بارز این نوع خانواده است. کهولت سن خود منشأ قدرت و احترام بوده و موجبات عمودی شدن ساخت قدرت را فراهم می‌کند. مردسالاری نیز از ویژگی‌های این نوع خانواده است تا جایی که فرزندان ذکور اولویت اول در مسأله ارث‌بری محسوب می‌شوند. خانواده گسترده با وجود داشتن این ویژگی‌های مشترک گاه در جوامع مختلف ساخت‌های متفاوتی به خود می‌پذیرد. به عنوان مثال نوعی از آن تحت عنوان خانواده پیوسته^۱ در جوامعی چون هند، فرزندان حتی اگر جدا از والدینشان به سر ببرند باز هم عضو خانواده محسوب می‌شوند. خانواده گسترده برخلاف خانواده هسته‌ای در جامعه غیر صنعتی و مبتنی بر اقتصاد کشاورزی یا دامداری متداول است. اگرچه در جوامع جدید نیز بازمانده‌هایی از ساخت خانواده گسترده همچنان به حیات خود ادامه می‌دهند. این نوع از خانواده بر حسب نوع هرم قدرت که عمودی است انواع مختلف دیگری از خانواده را به وجود می‌آورند که به اختصار به شرح تعدادی از انواع خانواده گسترده در این قسمت پرداخته می‌شود:

■ ■ خانواده مادر تباری

این خانواده مرکب از مادر، دختران، پسران و فرزندان دختران در برخی جوامع و بیشتر در گذشته‌های دور متداول بوده و در هرم عمودی قدرت آن، مادر نقش تصمیم‌گیرنده و اساسی داشته است. این خانواده در جوامعی که در آنها مادرسری^۲ رواج داشته و زنان مالک خانه و زمین و قلمرو بودند، به وجود می‌آید. در این نوع خانواده، فرزندان معمولاً نام خود را از مادر می‌گرفتند و به همین اعتبار خانواده مادرنامی^۳ نیز نامیده می‌شود. همچنین فرزندان و دیگر اعضای خانواده در موطن اصلی مادر، سکونت می‌نامند که در این صورت به آن خانواده مادر - بومی^۴ نیز می‌گویند. بر اساس مطالعات انجام گرفته در برخی از جوامع علی‌رغم وجود مادرسری باز یک مرد قدرتمند را در اختیار دارند که معمولاً برادر مادر است و اعضای خانواده اطاعت از او را سرلوحه کار خود قرار می‌دهند که به آن خانواده دایی‌سری^۵ می‌گویند.

1. Joint Family
2. Matriarchy
3. Matronymic Family
4. Matriocal Family
5. Avuncielat Family



■ خانواده پدر تباری^۱

پدر محور خانواده است و تصمیمات مهم را اتخاذ می‌کند. مالکیت و تصمیم‌گیری در آن بر عهده مرد است. به پیروی از آن خانواده پدرنامی^۲ و پدربومی^۳ نیز وجود داشته و تا به امروز نیز دوام داشته است. یعنی فرزندان نام خانوادگی پدر و نیز سکونت در اقامتگاه پدر را به یادگار می‌برند. میراث از آن فرزندان ذکور است.

■ خانواده زادروگا

نوعی ویژه از خانواده گسترده یا به تعبیری خانواده مشاع است که مانند یک گروه همیاری و تعاونی با یکدیگر زندگی می‌کنند و مسکن و صرف غذا در آن به صورت اشتراکی است. نَسَب در زادروگا پدری است و شامل چند خانواده غیر مستقل هستند که یک گروه کشاورزی را تشکیل می‌دهند. این نوع خانواده گسترده خاص سرزمین یوگسلاوی نیز است. زوج‌های داخل زادروگا برای خود اتاق‌های مستقلی داشتند اما این اتاق‌های مستقل آشپزخانه مستقل نداشتند. مالکیت بر اموال برای مردان اشتراکی است اما تملک زنان از این قاعده استثنا است. «از آنجا که زادروگا تابع ازدواج برون‌گروهی یعنی ازدواج بین اعضای زادروگاهای متفاوت بود، عروسان افرادی بیگانه و رقبای یکدیگر تلقی می‌شدند و نسبت به دختران خانواده که از انجام وظایف خانه‌داری معاف بوده و اوقات خود را برای گلدوزی لوازم عروسی خود صرف می‌کردند، حسادت می‌ورزیدند.» (سگالن، ۱۳۷۰: ۲۸) با تغییر شیوه تولید کشاورزی و صنعتی شدن جامعه، دیگر دوام زادروگاها امکان‌پذیر نبود.

■ خانواده ستاکی

این گروه خانگی سه نسل را در یک مکان و مسکن جای می‌داد. نسل اول به اضافه یکی از پسران متأهل با همسر و فرزندان. فرزندان مجرد اگرچه برای کار و زندگی از خانه دور می‌شدند اما در شرایط حساس بلافاصله به خانواده ملحق و متصل می‌شدند. دارایی خانواده تقسیم نمی‌شد و معمولاً فقط یکی از پسران از ارث برخوردار می‌شد. در خانواده ستاکی «همانند زادروگاهای یوگسلاوی، عروس خانواده همواره فردی بیگانه تلقی شده و زیر اقتدار مادر شوهر خویش قرار داشت. سایر فرزندان هم که وارثان اموال نبودند، هنگام ازدواج جهیزیه‌ای دریافت می‌کردند و بدین گونه از حق جانشینی پدر محروم می‌شدند. پرداخت مبلغ ناچیزی پول نقد عملاً هر گونه حقی نسبت به میراث

1. Patrilineal Family

2. Patronymic Family

3. Patrilocal Family



آبایی یکپارچه را از آنان سلب می‌کرد و پسران کوچکتر نیز در صدد آن بودند تا با دختران وارث خانه‌های دیگر ازدواج کنند و داماد آنها شوند. سایر فرزندان مجرد نیز در خانه باقی می‌ماندند و تلویحاً از سهم خود به نفع وارث اصلی چشم‌پوشی می‌کردند. اینان موقعیتی بین مستخدم و خویشاوند را اشغال می‌کردند.» (سگالن، ۱۳۷۰: ۲۹)

■ خانواده گسترده جدید

با وجودی که برخی ظهور جامعه صنعتی را نقطه پایانی بر خانواده گسترده می‌دانند اما پژوهش‌هایی چند نشان داده است که خانواده گسترده حتی در جوامع صنعتی امروز نیز با شکل‌های مختلفی کمابیش به حیات خود ادامه می‌دهد. ویلموت پژوهشگر مطالعات خانواده در بریتانیا مطالعاتی درباره افرادی که ازدواج کرده‌اند اما رابطه خود را با والدینشان حفظ کرده‌اند انجام داده و مشخص کرده است که درصد قابل ملاحظه‌ای از این افراد همچنان تماس دیداری یا تلفنی خود را به طور مرتب با والدینشان برقرار می‌کنند. بر این اساس وی به سه نوع خانواده گسترده محلی، خانواده گسترده پراکنده و خانواده گسترده تضعیف شده اشاره می‌کند. به تعبیر ویلموت خانواده گسترده محلی «عبارت است از دو یا سه خانواده هسته‌ای خویشاوند که جدا از هم زندگی می‌کنند ولی آنقدر نزدیک هستند که بتوانند تماس روزانه با یکدیگر را حفظ کنند و به کمک و حمایت متقابل از یکدیگر بپردازند. بنا بر ارزیابی او این شکل از شبکه خویشاوندی در مورد یک هشتم جمعیت بریتانیا صدق می‌کند و اکنون بیشتر در میان طبقه کارگر سنتی در جماعات پایدار وجود دارد و بیشتر در شمال کشور و شهرستان‌ها پراکنده هستند.» (مور، ۱۳۷۶: ۵۶) نوع دوم یعنی خانواده گسترده پراکنده به نسبت، روابط کمتری دارند. یعنی هسته‌های آن دور از هم زندگی کرده و به طور متوسط دو هفته یک بار آن هم بیشتر از طریق وسایلی چون تلفن با یکدیگر در ارتباط هستند و این نوع خانواده‌ها حدود ۵۰ درصد خانواده‌های بریتانیایی را شامل می‌شوند و بالاخره خانواده گسترده تضعیف شده که هسته‌های آن بسیار اندک و بیشتر در مناسبت‌های آئینی چون کریسمس، جشن‌ها و عزاداری‌ها دور هم جمع می‌شوند و بدین گونه تماس خود را حفظ می‌کنند. این پژوهش و بررسی‌های مشابه دیگر در جوامع مدرن نشان می‌دهد که خانواده گسترده همچنان حتی در جوامع اروپایی همچنان به شکل‌های مختلف، به حیات خود ادامه می‌دهد اگرچه نوع آرمانی خانواده گسترده به شکلی که در جوامع کشاورزی و سنتی بود، دیگر جایگاهی در جوامع جدید ندارد.



امروزه در جوامع جهان سوم نیز با وجود آنکه شیوه‌های جدید تولید سرمایه‌داری و صنعتی رواج پیدا کرده است، اما پیوندهای ویژه خانواده گسترده هرچند به صورت ضعیف شده همچنان وجود دارند و کارکردهای حمایتی و انسجام‌دهنده خود را حفظ کرده است. اگرچه شکل‌های بسیار متفاوت و مدرن خانواده نیز تحت تأثیر الگوهای جامعه مدرن و نیز تغییر ساختارهای اقتصادی و سیاسی در این جوامع، در حال گسترش است. در ایران امروز به علت آنکه بسیاری از خانواده‌های جوان همچنان به حمایت مالی و اقتصادی والدین خود نیازمند هستند و از آن سو نیز به علت فقدان نظام تأمین اجتماعی کارآمد برای همه سالمندان و نیاز آنان به دستگیری و حمایت فرزندانشان حتی پس از تشکیل زندگی مستقل، پیوندهای محکمی بین هسته‌های اولیه و جدید خانواده وجود دارد و تماس دائم فیزیکی و روابط عاطفی میان آنان را موجب می‌شود.

خانواده گسترده از نظر چگونگی انتخاب مکان زندگی خود، به انواع مختلفی چون پدرمکانی^۱، مادرمکانی^۲، دایی‌مکانی^۳ و نومکانی^۴ دسته‌بندی می‌شوند. «نظام پدرسرایی معمولی‌ترین شکل اقامت‌گزینی در جهان است. طبق نظر پرفسور مرداک، ۶۷ درصد خانواده‌های دنیا از نظام پدرسرایی استفاده می‌کنند. در این نظام ممکن است داماد، عروس خود را به خانه اصلی خود بیاورد و در کنار پدر و مادرش خانواده گسترده را شکل دهد یا در حوالی خانواده اصلی داماد زندگی کنند که در آن صورت اقدام به تشکیل خانواده هسته‌ای مستقل نموده‌اند.» (دیریت، ۱۳۶۶: ۵۰)

مردم‌شناسان عواملی چند را برای دلایل انتخاب‌های متنوع فرزندان متأهل برای محل سکونت و زندگی برشمرده‌اند. شیوه تولید حاکم بر جامعه، نوع نزاع‌ها و جنگ‌هایی که وجود دارد و ... از جمله این عوامل هستند. به عنوان نمونه اگر جنگ‌های قبیله‌ای بیشتر داخلی باشد، یعنی گروه‌های جنگجو دارای زبان مشترک باشند، اقامت‌گزینی، بیشتر پدرمکانی خواهد بود. چرا که پسر باید به عنوان نیروی جنگی در درون خانواده حفظ شود و نگهداری پسر حتی پس از ازدواج ضروری به نظر می‌رسد. اما اگر جنگ‌ها خارجی باشد و نگرانی فوری برای استفاده پسر به عنوان جنگجو وجود ندارد، در آن صورت نگه داشتن دختر برای انجام امور خانه و استفاده از نیروی کار او بیشتر ضرورت پیدا می‌کند. پس داماد را به خانه می‌آورند.

1. Patrilocal Residence
2. Matrilocal Residence
3. Avunculocal Residence
4. Neolocal Residence

□ خانواده تک‌والدی یا ناقص

در این نوع خانواده، فرزند یا فرزندان فقط با یکی از والدین به زندگی ادامه می‌دهد. اگرچه شاید در جوامع ماقبل مدرن نیز به دلایلی چون جنگ‌ها یا فقر، این نوع خانواده همواره وجود داشته است اما رواج روزافزون آن در اروپا و آمریکا از دهه ۱۹۶۰ به این سو قابل توجه است. افزایش میزان طلاق و ضعیف شدن برخی از کارکردهای خانواده زن و شوهری یا هسته‌ای در این جوامع بتدریج تا به امروز درصد خانواده‌های تک‌والدی را به سرعت افزایش داده است. به نظر می‌رسد خانواده تک‌والدی مخصوصاً از نوع مادر و فرزند آن بهتر می‌تواند به نسبت خانواده هسته‌ای با شرایط فقر اقتصادی سازگار شود چرا که مادر از کمک‌های اتفاقی دوستان مرد خود بیشتر برخوردار خواهد شد.

جرج مرداک جامعه‌شناس آمریکایی دهه‌های چهل تا شصت میلادی مدعی بود که در هر جامعه‌ای نوعی از خانواده مرکب از پیوند جنسی زن و مرد به همراه یک بچه یا بیشتر وجود دارد که از آن به پدیده‌ای جهانی یاد می‌کرد اما امروزه با افزایش خانواده‌های تک‌والدی و نیز آنچه که در کیبوتس‌های اسرائیل و یا جوامعی نظیر آن جریان دارد و افزایش میل به تجرد در برخی دیگر از جوامع، شاید در آنچه که به عنوان پیوندهای زناشویی یا فرزندآوری در تعریف مرداک از خانواده جهانی وجود دارد باید با تردید نگاه کرد.

□ کارکردهای خانواده

به اثر و نتیجه نهاد خانواده در جامعه، کارکرد خانواده می‌گویند. کارکرد خانواده در واقع خدمات مادی و غیر مادی است که خانواده به افراد در زندگی اجتماعی می‌دهد. این خدمات به همراه تطور جوامع، دگرگونی می‌پذیرند و در عین حال مناسبات نزدیکی با فرهنگ و ارزش‌های همان جوامع دارند. افراد از طریق نهاد خانواده در راستای سازگاری با محیط خویش آماده می‌شوند و به انسجام و بقای جامعه کمک می‌کنند. گستردگی و عمق این کارکردها به تناسب نوع جامعه متفاوت هستند. برخی از این کارکردها اساسی و جهان‌شمول هستند مانند تولید نسل، ارضای نظام‌مند نیازهای جنسی و تأمین معیشت و نیازهای اقتصادی افراد بویژه کودکان اما برخی کارکردها از درجه اهمیت کمتری برخوردارند. چون وظایف آموزشی، تفریحی و اموری که به سلامت فرزندان مربوط می‌شوند. جامعه‌پذیری کودکان در معنای عام آن و نیز تثبیت شخصیت کودکان در فرآیند